

«آثار دادرسی فوری در حقوق ایران و انگلیس»

سید فضل ا. موسوی*

دانشیار گروه حقوق عمومی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

سید مهدی موسوی

دانش آموخته کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی

(تاریخ دریافت: ۱۳۸۷/۸/۱۴ - تاریخ تصویب: ۱۳۸۷/۱۱/۱۴)

چکیده:

دادرسی فوری یکی از مهم‌ترین مباحث آیین دادرسی مدنی است. موضوع آثار ناشی از دادرسی فوری به جهت تاثیرات فوری و مستقیم آن بر خواهان و خوانده و بعضاً بر اشخاص ثالث از اهمیت فراوان برخوردار است. نحوه نامناسب عملکرد دادرس نیز می‌تواند آثاری را از حیث ایجاد مسئولیت بر وی مترتب سازد. در این مقاله سعی شده است تا به تبیین و تحلیل آثار دادرسی فوری و حدود مسئولیت قاضی در حقوق ایران و انگلیس پرداخته شود و ایرادات قانونی و اجرایی موجود در هر دو نظام حقوقی در این زمینه بیان گردند.

واژگان کلیدی:

دستور موقت - قرار انسداد - دادرسی فوری - خواهان - خوانده - اشخاص ثالث.

* مسئول مقاله

فاکس: ۶۶۴۰۹۵۹۵

برای اطلاع از دیگر مقالات منتشر شده از این نویسنده در همین مجله، به صفحه پایانی این مقاله نگاه کنید.

مقدمه

بررسی آثار دادرسی فوری را می‌توان به بررسی محور و استخوان بندی این نوع دادرسی تعبیر کرد. دادرسی فوری به طور طبیعی آثاری را بر خواهان و خواننده دعوا و حتی در برخی موارد بر اشخاص ثالث بر جای می‌گذارد. آثار مزبور ممکن است شامل برخی الزامات و تعهدات قانونی بوده که مستقیماً از دادرسی فوری ناشی می‌شوند یا اینکه شامل مواردی باشند که به طور تبعی حادث می‌شوند. پایه و اساس ایجاد نهاد دادرسی فوری، وضعیتی خاص (خطر فوری) است که بر اوضاع و احوال قضیه حاکم می‌باشد. لذا به محض زوال آن وضعیت، آثار ناشی از دادرسی فوری نیز اصولاً مرتفع می‌شوند. البته باید توجه داشت که دادرسی فوری ممکن است آثاری در پی داشته باشد که نیازمند جبران خسارت توسط متقاضی دادرسی فوری است.

در هر حال، اهمیت بحث آثار دادرسی فوری به طور کلی از لحاظ آثاری که این دادرسی در احقاق حق و عدالت دارد تا آنجاست که می‌توان گفت عدم بررسی دقیق آنها و شناسایی ایرادات و اشکالات موجود در این زمینه مانعی جدی بر سر راه تحقق عدالت خواهد بود. بر این اساس در این مقاله به بررسی و تبیین آثار «دستور موقت» و «قرار انستداد» (Freezing order) (به عنوان مصادیق دادرسی فوری در آیین دادرسی مدنی ایران و انگلستان) بر خواهان، خواننده و اشخاص ثالث پرداخته شده است.

گفتار اول) آثار دادرسی فوری در حقوق ایران

مبحث اول) اثر قرار دستور موقت بر خواهان

بنا به تصریح ماده ۳۱۰ مبنی بر اینکه «در اموری که تعیین تکلیف آن فوریت دارد، دادگاه به درخواست ذینفع برابر مواد زیر دستور موقت صادر می‌کند»، تنها مصداق دادرسی فوری، دستور موقت است. در واقع واژه «دادرسی فوری» و «دستور موقت» در حقوق ایران معادل یکدیگرند.

آثار دستور موقت بسته به اینکه خواهان پس از صدور قرار، اقامه دعوا بنماید یا ننماید؛ و بسته به اینکه در دعوا پیروز شود یا شکست بخورد متفاوت است که در ذیل به بررسی آنها خواهیم پرداخت.

بند اول) خواهان پس از صدور قرار دستور موقت، اقامه دعوا نماید

به استناد مواد ۳۱۸ و ۳۱۹ قانون آیین دادرسی مدنی ۱۳۷۹ خواهان می‌تواند پس از اقامه دعوی اصلی و پس از تودیع تامین، تقاضای صدور دستور موقت نماید. حال با فرض اینکه

خواهان تأمین مناسب را تودیع و گواهی تقدیم دادخواست را به دادگاه صادرکننده دستور موقت تسلیم نمود، از آنجا که صرف صدور دستور موقت تأثیری بر اصل دعوا ندارد و همواره احتمال شکست یا پیروزی خواهان قابل تصور است، در ذیل به بررسی هر یک از این دو مسئله می‌پردازیم.

الف) خواهان در دعوا پیروز شود

هرگاه حکم نهایی مبنی بر پیروزی خواهان در دعوا باشد و خواننده محکوم به بی حقی گردد، تأمین خواهان باید آزاد گردد و خسارات ناشی از اجرای دستور موقت، بر اساس خواسته دعوا از محل دستور موقت به خواهان تودیع شود. خواهان برای مطالبه خسارت باید اقامه دعوا نماید (ماده ۴۲۳ ق.آ.د.م.). دعوای خواهان بر مبنای مسئولیت استوار است که در آن خواهان باید ورود خسارت به خود و رابطه سببیت بین تقصیر خواننده و ورود خسارت را اثبات نماید. اگرچه اثبات رکن نخست علی القاعده با تقدیم قرار صدور دستور موقت و رأی نهایی بر محکومیت خواننده اثبات می‌شود، اما اثبات ورود خسارت و مخصوصاً رابطه سببیت همواره آسان نیست (شمس، ۱۳۸۰، ص ۴۱۷).

ب) خواهان در دعوا شکست بخورد

«قانون‌گذار، متقاضی دستور موقت را در صورتی شکست خورده می‌داند و او را مکلف به جبران خسارت می‌داند که ادعای او به موجب رأی نهایی رد شود» (همان، ص ۴۱۶). در این صورت خسارت خواننده از محل تأمین مأخوذه از خواهان پرداخت می‌شود. اما این جبران خسارت خود به خود صورت نمی‌گیرد بلکه طبق ماده ۳۲۴ ق.آ.د.م. متضرر باید ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ رأی نهایی برای مطالبه خسارت اقامه دعوا نماید، در غیر این صورت به دستور دادگاه از مال مورد تأمین رفع توقیف به عمل می‌آید. ماده ۳۲۴، در واقع به این سوال پاسخ داده است که تأمین مأخوذه تا چه زمانی باید نگه داشته شود. دلیل تصریح ماده ۳۲۴ به این موضوع که خواننده برای مطالبه خسارت باید اقامه دعوا کند اینست که در بسیاری از موارد ممکن است بر اثر اجرای دستور موقت، هیچ خسارتی به خواننده وارد نشود و پرداخت وجه ایداعی به وی مصداق بارز دارا شدن بلاجهت و اکل مال به باطل باشد. از طرفی در بسیاری موارد حتی در صورت مسلم بودن ضرر و خسارت وارد شده به خواننده ممکن است میزان تأمین ایداعی توسط خواهان کمتر یا بیشتر از خسارت وارد شده به طرف دعوا باشد که در صورت اول خواننده می‌تواند برای مطالبه بقیه آن دادخواست بدهد و در صورت دوم خواهان محکوم علیه حق دارد برای استرداد اضافه پرداختی اقامه دعوا کند و در واقع باید میزان

خسارت را اثبات کند. اما «اثبات ورود خسارت علی القاعده بر عهده مدعی آن است و معکوس کردن این قاعده و تحمیل اثبات عدم ورود خسارت یا کمتر بودن میزان آن از مبلغ ایداعی به خواهان دعوا، صحیح به نظر نمی‌رسد» (واحدی، ۱۳۸۴، ص ۵). لذا با اقامه دعوی توسط خواننده ظرف یک ماه مهلت مقرر در ماده ۳۲۴ میزان خسارت وارد شده به خواننده مشخص و حقی از کسی ضایع نمی‌شود. شایان ذکر است که شکست خواهان ممکن است به موجب هر یک از قرارهای قاطع دعوا نیز باشد. بنابراین، اگر قرار رد دعوا، قرار عدم استماع و... صادر و نهایی شود، دستور موقت به درخواست طرف لغو و خواننده می‌تواند مبادرت به طرح دعوای خسارت نماید.

بند دوم) خواهان پس از صدور قرار دستور موقت، اقامه دعوا ننماید

طبق ماده ۳۱۸ قانون آیین دادرسی مدنی خواهان می‌تواند پیش از اقامه دعوا درخواست صدور دستور موقت نماید. حال اگر وی ظرف مهلت بیست روزه مقرر در قانون اقامه دعوا نکرد به صراحت ماده ۳۱۸ به درخواست طرف از درخواست وی رفع اثر می‌شود. حال اگر ظرف مدت مقرر، ذینفع اقامه دعوا نکرده باشد طرفی که دستور موقت علیه او صادر شده است در صورتی مستحق دریافت خسارت است که قرار اجرا شده باشد. چرا که صرف صدور دستور موقت خسارتی به بار نمی‌آورد تا قابل مطالبه باشد.

مبحث دوم) اثر قرار دستور موقت بر خواننده

قرار دستور موقت می‌تواند ناظر بر توقیف مال، انجام عمل یا منع از انجام امری باشد. غیر از مورد اول که اجرای قرار توسط مامور اجرای دادگاه به عمل می‌آید در سایر موارد خواننده باید به طور کامل به مفاد قرار عمل نماید. برای مثال، اگر دادگاه ضمن قرار دستور موقت خواننده‌ای را ملزم به انجام تعمیرات اساسی در ملک مورد اجاره کرد یا اینکه خواننده را ملزم به ترک انجام عملیات ساختمانی نمود، خواننده ملزم به اجرای دستور دادگاه است. در حقوق ایران هیچ‌گونه ضمانت اجرایی حقوقی یا کیفری خاص در این زمینه پیش بینی نشده است و فقط می‌توان گفت که اگر بر اثر تخلف خواننده از اجرای قرار، خسارتی متوجه خواهان گردد، خواننده بر اساس مبانی مسئولیت مدنی موظف به جبران خسارات وارد شده است. ولی رویه عملی بر این است که از طریق توسل به مامورین اجرای دادگاه یا ضابطین دادگستری حسب مورد نسبت به الزام خواننده به انجام یا ترک عملی که موضوع دستور موقت واقع شده است اقدام می‌نماید.

مبحث سوم) اثر قرار دستور موقت بر اشخاص ثالث

شخص ثالث و بخصوص بانک باید دستورات دادگاه درخصوص توقیف اموالی از خواننده را که نزد آنان است، اجرا کند و در این زمینه همکاری کامل را با مامورین اجرای دادگاه مبدول دارد والا در صورت بروز هرگونه خسارت از جهت مسئولیت مدنی مسئول خواهد بود (ماده ۲ قانون مسئولیت مدنی). لازم به ذکر است که به غیر از مورد اخیر، در حقوق ایران ضمانت اجرای قانونی یا رویه‌ای خاص در زمینه تخلف اشخاص ثالث از اجرای مفاد قرار دستور موقت وجود ندارد. طبق اصل نسبی بودن احکام دادگاه‌ها، اثر حکم تنها نسبت به طرفین دعواست و نسبت به اشخاص ثالث بی تأثیر است. اما فرض دخالت ثالث در دعوا فرضی مبتلا به و قابل تصور است که در ذیل به تشریح آن می‌پردازیم.

بند اول) ورود یا جلب ثالث

در این خصوص سه حالت مفروض است. نخست اینکه ممکن است خواهان یا خواننده ثالثی را به دعوا جلب نمایند. در این حالت مجلوب ثالث خواننده دعوا محسوب می‌شود و کسی که وی را به دعوا جلب کرده است حق دارد علیه او تقاضای دستور موقت نماید چرا که به دلالت ماده ۱۳۹ ق.آ.د.م. «ثالثی که جلب می‌شود خواننده دعوا شمرده می‌شود و تمامی مقررات راجع به خواننده درباره او جاری است». حالت دوم زمانی است که وارد ثالث مستقلاً حقی برای خود قائل است. در اینجا به عکس حالت نخست، وارد ثالث در حکم خواهان می‌باشد و احکام وارد ثالث در مورد او مجری است. در اینجا، چون حق مورد ادعا اصولاً در اختیار خواننده دعوی اصلی است، دستور موقت علیه او صادر می‌شود. در این جا سوالی مطرح می‌شود که در صورتی که دستور موقت صادر شود و شخص ثالث نسبت به موضوع دستور موقت حقی را ادعا کند تکلیف چیست؟ آیا صدور دستور موقت حق مزبور را از بین می‌برد؟ مثلاً علیه ملک شخصی دستور موقت صادر شده است و شخصی نسبت به آن ادعای حق صلح می‌نماید، آیا دستور موقت از بهره برداری از حق مزبور جلوگیری می‌کند؟ رجوع به آرای محاکم دادگستری مؤید این مطلب است که دستور موقت تأثیری در آن حق ندارد و حتی در صورت پیروزی خواهان در دعوا، وی قائم مقام مالک قبلی (خواننده) است (متین، ۱۳۴۰، ص ۱۲۶).

حالت سوم زمانی است که وارد ثالث خود را در محق شدن یکی از طرفین دعوا ذینفع بدانند، در این مورد بین علمای حقوق اختلاف نظر وجود دارد. عده‌ای معتقدند «درخواست دستور موقتی که وارد ثالثی که خود را در محق شدن یکی از طرفین ذینفع بدانند، علی القاعده در صورتی قابل تصور است که نفع وارد ثالث در محق شدن خواهان باشد و برای تقویت او

وارد شود. در این صورت، همان‌گونه که وارد ثالث مجاز است که اقدامات قانونی لازم را برای محق شدن خواهان انجام دهد، نمی‌توان به طور مطلق او را از درخواست و گرفتن دستور موقت محروم نمود. زیرا افزون بر آن که ماده ۳۱۰ اصطلاح ذینفع را بکار برده است و مواد ۱۳۰ و ۱۳۱ و ۱۳۲ ق.آ.د.م. جدید که دال بر این می‌باشند که مقررات راجع به خواهان درباره وارد ثالث جاری است، اطلاق دارند. مواردی وجود دارد که وارد ثالث تبعی که برای تقویت خواهان وارد می‌شود، ناچار به درخواست دستور موقت می‌شود» (شمس، پیشین، ص ۴۰۳). لذا «... تکلیف او در جبران خساراتی که در اجرای دستور موقت به خواننده وارد می‌شود تابع وضعیت خواهان دعواست؛ لذا اگر خواهان در دعوا با شکست روبرو شود، خسارات ناشی از اجرای قرار به وارد ثالثی تحمیل می‌شود که آن را گرفته است» (همان، ص ۴۱۷، ش ۶۶۹). اما عده‌ای معتقدند: «در این موارد چون وارد ثالث برای خود مسقلاً حقی قائل نمی‌باشند، لذا عنوان و صفت خواهان دعوا را نیز نخواهد داشت» (ادریسیان، ۱۳۸۰، ص ۳۱). نظر بعضی از قضات دادگاه تجدیدنظر نیز مفید همین معناست که: «... اساساً دستور موقت یک روش استثنایی و مختص مواردی است که با روش‌های عمومی آیین دادرسی نتوان اقدام نمود و اعمال چنین روشی در دعوی اعتراض ثالث موضوعیت ندارد ...» (رسولی، ۱۳۷۹، ص ۴۶).

بند دوم) خسارات وارد شده به ثالث

وقتی دعوی در دادگاهی مطرح می‌شود و دادگاه به تقاضای خواهان پس از احراز فوریت و اخذ تأمین از خواهان، مبادرت به صدور دستور موقت می‌نماید؛ تعیین تکلیف دعوا موکول به صدور رأی نهایی است. چرا که ممکن است خواهان در دعوا پیروز شود و خواننده محکوم گردد و بالعکس. از دیگر سو ممکن است صدور این حکم علاوه بر محکوم له پرونده به حقوق اشخاص ثالث نیز خلل وارد کند. سؤال اینجاست که آیا ثالث می‌تواند به رأی صادر شده اعتراض و ادعای خسارت نماید؟

در پاسخ باید گفت: به صراحت ماده ۴۱۸ ق.آ.د.م. که مقرر می‌دارد: «شخص ثالث حق دارد به هرگونه رأی صادره از دادگاه‌های عمومی، انقلاب و تجدیدنظر اعتراض نماید به شرطی که به حقوق او خللی وارد آید»، ثالث می‌تواند به این حکم اعتراض کند و احقاق حق نماید. سؤال دیگر این است که ثالث به استناد چه اصل یا قانونی می‌تواند احقاق حق نماید؟ در وهله اول شاید بتوان به استناد ماده یک قانون مسئولیت مدنی مراجعه ثالث به محکوم علیه را توجیه کرد، اما با توجه به عبارت «بدون مجوز قانونی» که در صدر ماده آمده است، قبول این نظر موجه به نظر نمی‌آید. «زیرا مدعی محکوم علیه مسلماً با حقی که در اقامه دعوا داشته است اقامه دعوا نموده است و ممکن است به دلیل عدم توانایی اش در ارائه دلایل محکوم به

بی حقی شده باشد» (ادریسیان، منبع پیشین، ص ۸۳). در صورتی که شخصی مالی را به طور مستقیم تلف نکرده باشد ولی برای تلف آن سبب سازی کرده باشد وی من باب تسبیب مسئول است چراکه اگر عمل او نبود، تلفی هم رخ نمی‌داد (کاتوزیان، ۱۳۶۲، ص ۸۱). لذا نمی‌توان ثالث را نیز به استناد قاعده تسبیب مجاز به اقامه دعوا علیه مدعی محکوم علیه دانست.

مبحث چهارم) حدود مسئولیت قاضی

دستور موقت نهادی است که در بیشتر موارد ذینفع یا وکیل او اصرار زیادی دارد تا آن را به کار گیرد و در نتیجه، تشخیص موارد صدور دستور موقت نه تنها برای ذینفع بلکه برای قاضی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. (www.javannewspaper.com/1384/840723/law) (htm#s98781). به طور کلی قضات موظفند آراء خود را مستدل و مستند به مواد قانونی و اصولی نمایند که رای بر اساس آن صادر شده است (اصل ۱۶۶ ق.ا.ج.ا.) و هرگاه در اثر تقصیر یا اشتباه قاضی ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد، قاضی طبق موازین اسلامی ضامن است و در غیر این صورت ضرر توسط دولت جبران می‌شود (اصل ۱۷۱ ق.ا.ج.ا.). حال با توجه به اینکه طبق ماده ۳۲۵ ق.ا.د.م. رد یا قبول درخواست دستور موقت همراه با اصل حکم قابل تجدیدنظر است؛ این سؤال به ذهن متبادر می‌شود که اگر دادگاه تجدیدنظر حکم دادگاه بدوی را نقض کرد و فوریت را احراز نمود و از این رهگذر خساراتی متوجه خواهان گردید، آیا قاضی دادگاه بدوی مسئول است یا خیر؟ در پاسخ می‌توان گفت چون تشخیص هر قاضی از قاضی دیگر متفاوت است و احراز فوریت بستگی به نظر دادگاه رسیدگی کننده دارد، در این مورد با توجه به اصل ۱۷۱ قانون اساسی می‌توان گفت قاضی مسئول نیست مگر اینکه خسارت در نتیجه تقصیر و اشتباه قاضی متوجه خواهان شده باشد. شایان ذکر است، پس از احراز فوریت، صدور دستور موقت تکلیف قاضی است و در صورت تخلف مسئول جبران خسارات وارد شده به خواهان خواهد بود.

گفتار دوم) آثار دادرسی فوری در حقوق انگلیس

در این گفتار طی سه مبحث به تشریح اثر قرار انسداد و شناسایی آثار آن بر طرفین دعوا و اشخاص ثالث می‌پردازیم. در مباحث بعد نیز به بررسی مسئولیت قاضی و نحوه رفع اثر از قرار انسداد و الغای آن خواهیم پرداخت.

مبحث اول) آثار قرار انسداد بر خواهان

متقاضی صدور قرار انسداد باید درخواستی متضمن آنچه مورد تقاضای اوست، به علاوه شرح مختصر دلایل خود برای درخواست صدور قرار انسداد را به دادگاه ارائه دهد و در عین حال، وجود خطر فوری جابجایی یا انتقال یا واگذاری اموال خواننده و احتمال قوی پیروزی خود در دعوا را برای دادگاه ثابت نماید و تعهدی نیز خطاب به دادگاه در خصوص جبران خسارت‌های ناشی از صدور یا اجرای قرار که ممکن است در صورت شکست او در دعوا به خواننده وارد شود بپردازد. خواهان موظف است که نام اشخاص ثالثی که اموالی از خواننده را در تصرف دارند و یا بانکی را که خواننده در آن حساب دارد به دادگاه به طور دقیق و صریح ارائه دهد (Z Ltd, v. A-Z and AA-LL Ltd. (1982) QB 558 (Eng.CA) 768, p.850). همچنین خواهان مکلف است که مفاد قرار انسداد و اموالی که می‌بایست توقیف یا مسدود شوند را به اشخاص ثالثی که اموال خواننده در تصرف آنها می‌باشد ابلاغ کند (Ibid., p. 853). همچنین خواهان موظف است در صورت صلاحدید دادگاه نسبت به جبران هزینه‌های اشخاص ثالث که از قرار انسداد ناشی شده‌اند نیز به دادگاه تعهد بدهد (Ibid., p.866).

خواهان موظف است که حسب مورد درخواست صدور قرار انسداد را به خواننده و قرار انسداد صادر شده توسط دادگاه را به خواننده و اشخاص ثالث مرتبط با موضوع قرار ابلاغ کند (www.dca.gov.uk/civil/procrules.shtml). این امر به این معنی است که دادگاه اصولاً رأساً نسبت به ابلاغ موارد مزبور اقدام نمی‌نماید. همچنین ذکر این نکته ضروری است که در مقام عمل در خصوص قرار انسداد محدودیت‌هایی وجود دارد. به عنوان مثال: معادل مقدار مبلغ مورد نیاز خواننده جهت صرف هزینه‌های منطقی و متعارف زندگی قابل توقیف نیست (Brooks, Tickner, 2004, p.33).

بند اول) خواهان در دعوا پیروز شود

اگر خواهان در دعوا پیروز شود، مسئولیتی از حیث جبران خسارت‌های وارد شده به خواننده نخواهد داشت. البته در خصوص هزینه‌هایی که اشخاص ثالث از اجرای قرار متحمل می‌شوند و نیز هزینه‌های مربوط به استعلام وضعیت اموال خواننده که نزد اشخاص ثالث است، خواهان موظف است در هر صورت هزینه‌های مزبور را جبران نماید و معادل آنها را به اشخاص ثالث بپردازد، اعم از اینکه در دعوا پیروز شود یا اینکه شکست بخورد (Z Ltd, v. A-Z and AA-LL Ltd. [1982] QB 558 (Eng.CA)(CB 768). پس از اینکه حکم دعوا به نفع خواهان صادر شد، وی می‌تواند از محل اموال توقیف شده یا اموالی که خواننده از جابجایی و منتقل نمودن آنها منع شده است، هزینه وکیل، هزینه دادرسی و سایر هزینه‌های متحمل شده را به

سادگی و از طریق ارائه یک درخواست و ضمیمه کردن صورتحساب‌های مربوط به دادگاه دریافت کند (Ibid., pp. 503,512). البته برای جبران چنین مخارجی محدودیت‌هایی وجود دارد. برای مثال، اگر خواهان مطلع بوده باشد که خوانده بدون اقامه دعوا توسط وی نسبت به انجام خواسته دعوا اقدام می‌کرده است ولی با وجود این مبادرت به طرح دعوا نموده است، دادگاه تقاضای وی نسبت به مطالبه این‌گونه مخارج و هزینه‌ها را رد خواهد کرد (Bishop, 2002, pp. 15,16). به علاوه اگر دادگاه در نهایت رأی دهد که خواهان در ضمن دعوای خود دادگاه را گمراه کرده است و یا اینکه استدلال‌های خواهان برای صدور قرار انسداد غیرموجه بوده‌اند، دادگاه این اختیار را دارد که خواهان را مجبور به جبران خسارات و هزینه‌های وارد شده بر خوانده نماید (Bluebell Ink. v. Flamer Int'l Ltd. (1980) 130 NLJ 5948 CA). به طور خاص دادگاه برای جبران هزینه‌های مربوط به وکیل به این نکته توجه می‌کند که آیا بلافاصله قبل از اعلام وصول درخواست صدور قرار انسداد، به طور منطقی امکان مصالحه میان طرفین دعوا وجود داشته است و یا اینکه خواهان بیش از حد سرعت عمل به خرج داده است. همچنین این نکته از اهمیت برخوردار است که در صورت ورشکستگی خوانده، صدور قرار انسداد هیچ‌گونه حق تقدمی را برای خواهان از جهت وصول طلب خود ایجاد نمی‌کند و تنها اثر قرار انسداد، جلوگیری از جابجایی یا واگذاری یا انتقال اموال خوانده تا پایان دادرسی و یا اجرای حکم است (www.middletonpotttd.co.uk/library/default.asp?p=282&=301). به علاوه، قرار انسداد نمی‌تواند وثیقه‌ای برای خواهان تلقی گردد (Cretanor Maritime Co. Ltd v. Irish Marine Management Ltd (1978) 1 WLR 966) و وسیله‌ای برای اعمال فشار به خوانده نیست (Camdex International Ltd. v. Bank of Zambia (No.2) (1998) CLC 714 (CA) و هیچ‌گونه حق عینی در اموال موضوع قرار انسداد برای خواهان به ارمغان نمی‌آورد (Cretanor Maritime Co. Ltd. v. Irish Marine Management Ltd. (1978) 1 WLR. 966).

بند دوم) خواهان در دعوا شکست بخورد

اگر خواهان در دعوا شکست بخورد و رأی به بی‌حقی او صادر شود، علاوه بر مسئولیت مدنی برای جبران خسارت وارد شده به خوانده، از جهت الزامی که از تعهد وی به دادگاه ناشی شده است نیز ملزم است کلیه خسارات وارد شده به خوانده از حیث صدور یا اجرای قرار انسداد را جبران نماید.

ذکر این نکته ضروری است که اگرچه قانون آیین دادرسی مدنی (۱۹۹۸)، غیرمنطقی بودن نوع عملکرد خواهان در هنگام ارائه درخواست یا طرح دعوا یا در هنگام جریان دادرسی را از موارد بار شدن مسئولیت جبران هزینه‌های دادرسی بر خواهان برشمرده است (Civil Procedure

(1) s.44.5 (1998) Rules Act)، ولی صرف عمل خلاف اخلاق خواهان را نمی‌توان مصداق عملکرد غیر منطقی او دانست (EWCA Civ 1723 (2001) Reid Minty v. Taylor). همچنین میزان منطقی بودن عملکرد خواهان در خصوص ارائه درخواست و اقامه دعوا بر میزان هزینه دادرسی وارد شده بر خواننده که خواهان در صورت شکست در دعوا باید به وی پردازد موثر است و در چنین مواردی دادگاه میزان آن را کاهش می‌دهد (Fourie v. Le Roux & Ors (2007) (UKHL 1, on p.435).

الف) معیار و ملاک محاسبه و برآورد میزان خسارت

این سؤال مطرح است که نحوه برآورد و محاسبه مقدار خسارت‌های وارد شده به خواننده طبق چه معیار و ملاکی صورت می‌پذیرد. به طور کلی در حقوق انگلستان سه شیوه مختلف برای محاسبه میزان خسارت شناخته شده است (Anne, Ruff, 2005, pp 176-180). این شیوه‌ها عبارتند از:

- ۱- شیوه جبران منافع اتکایی (reliance damages)؛ در این شیوه سعی می‌شود که وضعیت زیان دیده به حالت قبل از وقوع ضرر بازگردانده شود.
- ۲- شیوه جبران منافع اعاده‌ای (restitution damages)؛ یعنی منفعتی که در صورت اعاده هزینه‌های تحمیل شده به زیان دیده که شخص مقصر نیز از قبل آنها منتفع شده است، جبران می‌شود.
- ۳- شیوه جبران منافع متوقع (expectation damages)؛ در این شیوه، منفعتی که در صورت عدم وقوع فعل زیانبار عاید زیان دیده می‌گردد محاسبه می‌شود (Adams and Brownsword, 2004, p. 169).

آنچه که در حال حاضر در حقوق انگلستان رویه شده است، محاسبه خسارت بر اساس شیوه جبران منافع متوقع است (عابدیان، ۱۳۸۵-۱۳۸۶).

مبحث دوم) اثر قرار انسداد بر خواننده

در ابتدای ایجاد تأسیس قرار انسداد در حقوق انگلستان، قرار مزبور فقط در خصوص خوانندگان خارجی صادر می‌شد (Mariva Companiera S.A v. International Bulk Carriers Ltd (CA) 2 Lloyd's Rep 599 (1975)) ولی در حال حاضر امکان صدور آن علیه خوانندگان داخلی نیز وجود دارد (www.kslaw.com/library/publication/LatinLawyer-InterimMeasures.pdf). البته صدور قرار منوط به این است که خواهان، وجود خطری فوری در زمینه جابجایی یا نقل و انتقال یا واگذاری اموال خواننده که منجر به غیر قابل اجرا شدن حکم دادگاه که به احتمال قوی به نفع او صادر خواهد شد را برای دادگاه ثابت کند. محدوده قرار انسداد صادر شده توسط

دادگاه از حیث میزان و محل اموال خواننده فاقد هرگونه محدودیتی است. بدین معنی که دادگاه می‌تواند در خصوص همه یا بخشی از اموال خواننده چه در داخل حوزه قضایی دادگاه‌های انگلستان و چه در خارج از آن، قرار انسداد صادر نماید و در ضمن آن، خواننده را ملزم به عدم انتقال یا واگذاری اموال خود نماید یا اینکه دستور توقیف یا انسداد اموال و یا حساب بانکی او را صادر کند. به علاوه، اموالی که موضوع قرار انسداد قرار می‌گیرند، منحصر و محدود به پول نقد نیستند و می‌توانند شامل هرگونه مال منقول یا غیر منقول یا حقوق مالی خواننده باشند (Z. Ltd. v. A-Z and AA- LL Ltd (1982) QB 558 (Eng.CA) 768, on page 295). البته این نکته لازم به ذکر است که اگرچه امکان صدور قرار انسداد در خصوص کل اموال خواننده در هر جای جهان وجود دارد، ولی دادگاه‌های انگلیس در بیشتر موارد از صدور قرارهایی که ناظر بر توقیف اموال خواننده در خارج از حوزه قضایی انگلستان هستند، اجتناب می‌نمایند. مگر در مواردی که این امر برای حفظ منافع خواهان کاملاً حیاتی و ضروری باشد (784 International Babanaft Co. S.A v. Bassatne (1990) Ch.13, on page 784). به علاوه دادگاه ضمن قراری که صادر می‌کند حداکثر می‌تواند اموال خواننده را توقیف یا مسدود کند یا اینکه خواننده را ملزم به عدم انتقال یا واگذاری آنها نماید (Civil Procedure Rules Act (1998) s.25). همچنین این امکان وجود دارد که موضوع قرار صادر شده «متغیر» (Ambulatory) باشد. بدین معنی که برای مثال، دادگاه ابتدائاً بانکی که خواننده در آن حساب دارد را موظف می‌کند که نسبت به انسداد حساب بانکی خواننده اقدام نماید و در عین حال شخص ثالث دیگری که بخش دیگری از اموال خواننده در تصرف او می‌باشد را نیز ملزم می‌نماید که در صورت خالی بودن حساب بانکی خواننده از تحویل اموال به وی اجتناب نماید. این نکته لازم به ذکر است که اگر دادگاه نسبت به توقیف همه یا بخش عمده اموال خواننده امر کند، در این صورت هزینه‌هایی را که برای زندگی روزمره خواننده ضروری هستند را تعیین و مستثنی می‌سازد (11 Practice Direction of Section 25 of the Civil Procedure Rules Act (1998), s. 11). به عبارت دیگر قرار انسداد معمولاً کل دارایی خواننده را مشمول توقیف قرار نمی‌دهد و معمولاً دادگاه پس از صدور قرار انسداد، هزینه‌های ضروری و معمول زندگی و شغل وی و هزینه‌های منطقی طرح دعوا را مستثنی می‌سازد (Polly Peck International v. Nadir (No.2) (1992) 4 All ER 769, at p,785). در چنین مواردی مبلغ مورد نظر دادگاه باید به صورت ارقام، به طور صریح و دقیق در ضمن قرار انسداد مشخص شود. به علاوه دادگاه در ضمن صدور قرار، دستور افتتاح یک حساب بانکی جداگانه برای واریز مبلغ مذکور را صادر می‌نماید (Z. Ltd. v. A-Z and AA- LL Ltd (1982) QB 558 (Eng.CA) 768, on page 445). به علاوه خواننده می‌تواند با خواهان در مورد افزایش میزان مبلغ تعیین شده توسط دادگاه توافق کند و در صورت رضایت خواهان، دادگاه به درخواست

خواننده مقدار تعیین شده را افزایش می‌دهد (11,3 Practice Direction of Section 25 of the Civil Procedure Rules Act (1998), s. 23.10(1)). اگر قرار انسداد بدون ابلاغ درخواست صدور قرار به خواننده صادر شده باشد، در صورتی که دادگاه نسبت به عدم ابلاغ درخواست به خواننده امر نکرده باشد، در این صورت خواننده می‌تواند از دادگاه درخواست نماید که از قرار صادر شده رفع اثر نماید (Civil Procedure Rules Act (1998), s.23.10(1)). در این صورت خواننده باید ظرف مدت هفت روز پس از تاریخ ابلاغ قرار به خواهان درخواست خود را به دادگاه ارائه نماید (Civil Procedure Rules Act (1998), s.23.10(2)). اگر قرار انسداد متضمن توقیف اموال یا انسداد حساب خواننده باشد و متقاضی صدور قرار از میزان و محل وقوع اموال خواننده یا بانکی که در آن حساب دارد بی اطلاع باشد، دادگاه به درخواست متقاضی صدور قرار، در ضمن یا در کنار قرار انسدادی که صادر می‌نماید، خواننده را به اعلام محل و میزان اموالش یا معرفی بانکی که در آن حساب دارد ملزم می‌نماید، که به این الزام دادگاه، «قرار الزام به اعلام دارایی» (discloser order) گفته می‌شود. درخواست صدور قرار انسداد معمولاً بدون اطلاع خواننده به دادگاه ارائه می‌شود زیرا در صورت اطلاع خواننده از امکان صدور چنین قراری ممکن است مشکلات جدی برای خواهان به وجود آید. همچنین ممکن است خواهان در معرفی اموال خواننده جهت صدور قرار دچار مشکل شود و به همین دلیل دادگاه از طریق صدور «قرار الزام خواننده به اعلام دارایی اش» به خواهان یاری می‌رساند. دادگاه در ضمن قرار اخیر می‌تواند حتی خواننده را به بیان جزئیات مربوط به دارایی اش (از جمله مکان و نوع اموال در انگلستان و خارج از آن) ملزم سازد (Civil Procedure Rules Act (1998), s.25). قرار مزبور که همانند سایر قرارها مبتنی بر اختیار دادگاه در زمینه اعمال انصاف است (Catherine, Kessedjion, 1998, pp. 7,8)، معمولاً بدون اطلاع خواننده صادر می‌شود و خواننده را ملزم می‌سازد که در مدت تعیین شده توسط دادگاه که معمولاً بسیار محدود است، نسبت به اعلام دارایی خود طبق دستور دادگاه اقدام کند (O.Brooks, J.Thickner, op.cit, p.32). دادگاه می‌تواند پس از آنکه خواننده وضعیت اموال خود را به دادگاه اعلام کرد، در خصوص صحت یا عدم صحت اظهاراتش از وی به دقت بازجویی نماید (House of Spring Gardens Ltd v. Waite (1985) FSR 173 (CA)). البته دادگاه موظف است که این اختیار خود را در موارد کاملاً ضروری و با رعایت دقت و احتیاط کامل و در نظر گرفتن اوضاع و احوال اعمال نماید (-Chase-Manhattan Bank NA v. Israel-British Bank (London) Ltd (1981) Ch 105; Bankers Trust Co v. Shapira & Ors (1980) 1 WLR 1274). در حقوق انگلیس، هزینه‌هایی که خواهان برای جستجو جهت یافتن اموال خواننده متحمل می‌شود در صورت پیروزی وی در دعوا قابل مطالبه از خواننده می‌باشند (S. Connal, T. Willoughby, 1997, Vol.19, No.8, p.484). در موارد زیر خواننده‌ای که قرار الزام به اعلام دارایی علیه او صادر شده است می‌تواند از اعلام دارایی خود امتناع نماید:

- ۱- این احتمال وجود داشته باشد که اعلام دارایی از سوی خواننده منجر به متهم شناخته شدن او به جرمی گردد (O. Brooks, J. Tickner, op.cit. p.33).
- ۲- در مواردی که قبلاً قرار انسدادی علیه خواننده صادر شده است (Raja v. Van Hoogstraten (2002) 4 AER 793). همان‌طور که قاضی لرد دیلون (Lord Dillon) اظهار داشته است: «هنگامی که یک قرار انسداد صادر شده است، صدور یک قرار انسداد جدید یا قرارهای تابعه آن بی معنی است» (Lloyds Bowmaker Ltd v. Britannia Arrow Holding plc (1988) 1 WLR 1337, at p.1349).
- ۳- خواهان دلایل کافی برای اینکه بتواند بر اساس آنها از دادگاه درخواست صدور قرار انسداد نماید در دست نداشته باشد و بخواهد از طریق دستیابی به قرار الزام به اعلام دارایی به دلایل مزبور دسترسی پیدا کند (Parker v. CS Structured Credit Found Ltd.; Also See: www.lawteacher.net/companylawcases.htm).
- در غیر از موارد فوق، عدم اعلام اموال از سوی خواننده در مهلت مقرر، اماره‌ای بر تلاش وی جهت ممانعت از اجرای حکم و اجرای عدالت به شمار می‌رود (www.Lexpert Directory/legal business articles.html). در صورت صدور قرار الزام به اعلام دارایی، خواننده موظف است که میزان و محل آندسته از اموال و دارایی‌اش را که در ضمن قرار نسبت به اعلام وضعیت آن ملزم شده است به دادگاه اعلام نماید (Civil Procedure Rules Act (1998), s.25.1(g)). در مواردی که دادگاه در مقام صدور قرار الزام به اعلام دارایی، لفظ اموال را به طور مطلق به کار می‌گیرد، خواننده باید تمامی اموال و دارایی خود را اعم از اینکه در چه نقطه‌ای از جهان قرار دارند و به چه شکلی هستند به دادگاه اعلام کند (Raja v. Van Hoogstraten (2004) 4 AER 793. paras.96-98). دو مورد فوق در مواردی که قرار انسداد (و به تبع آن قرار الزام به اعلام دارایی) پیش از اقامه دعوا صادر شده است نیز لازم‌الرعايه است (Civil Procedure Rules Act (1998), s.25.1(i)). حتی در مواردی که دادگاه در صدور قرار انسداد در مورد آن دسته از اموال خواننده می‌باشد که در حوزه قضایی انگلیس قرار دارند، می‌تواند در ضمن قرار الزام به اعلام دارایی که علیه خواننده صادر می‌کند، وی را ملزم به اعلام نوع و مکان دارایی‌اش در کل جهان نماید. علت این امر نیز آن است که پس از صدور حکم به نفع خواهان گاهی ضروری است که وی از وضعیت اموال خواننده آگاه باشد تا بتواند حکم را بهتر اجرا نماید (A.J. Bekhor & Co. Ltd v. Bilton (1981) 1 QB 923, See Lord Ackners remarks at p.940). البته این نکته لازم به ذکر است که صدور قرار الزام به اعلام دارایی علیه خواننده برای الزام وی به اعلام آندسته از اموالش که در خارج از حوزه قضایی انگلیس قرار دارند یک استثناء به شمار می‌رود (Ashtiani v. Kashi (1987) QB 888, 2 All ER.970). اگر قرار انسداد متضمن الزام خواننده

به عدم نقل و انتقال یا جابجایی یا واگذاری اموالش باشد، در این صورت نیز خواننده ملزم به اجرای دستور دادگاه است. در هر حال اگر خواننده از مفاد قرار صادر شده تخطی کند و آن را اجرا ننماید، علاوه بر اینکه در مقابل دادگاه مسئولیت خواهد داشت، از حیث مسئولیت مدنی نیز مسئول تقصیرات خود است و ضمانت اجرای قانونی نیز علیه او اعمال خواهد گردید. اگر خواننده‌ای که قرار انسداد علیه او صادر شده است از اجرای مفاد آن اجتناب نماید و نیز شخص ثالثی که مفاد قرار به او ابلاغ شده است، اگر چنانچه قرار انسداد را اجرا ننماید یا اینکه در اجرا نشدن آن به خواننده یاری رساند، در مقابل دادگاه مسئول است. بر همین اساس، معمولاً در متن قرار انسداد یک «اخطار کیفری» (penal notice) گنجانده می‌شود مبنی بر اینکه سرپیچی عمدی از اجرای قرار انسداد و یا هرگونه تقصیر در اجرای آن می‌تواند به تعقیب کیفری و صدور حکم حبس یا جزای نقدی یا ضبط اموال متخلف منتهی گردد (www.justice.gov.uk/civil/procrules-fin/contents/practice-directions/pd-part25.htm).

عدم اجرای مفاد قرار انسداد به جهت «سرپیچی از دستور دادگاه» (contempt of court) قابل تعقیب کیفری است. در هر حال برای تحقق این امر لازم است که قرار انسداد صادر شده به نحو صحیح و منطقی از سوی خواهان به خواننده ابلاغ شده باشد (Civil Procedure Rules Act, s.6, (1998)). استناد خواهان به دشوار بودن یا پیچیدگی ابلاغ قرار صادر شده جهت توجیه عدم ابلاغ منطقی و صحیح قرار به خواننده مسموع نخواهد بود (Oliver Brooks, Jonathan Tickner,) (op.cit, p.33; Also See: Raja v. Van Hoogstraten (2002) 4 AER 793 (CA), at p. 328).

اگر قرار انسداد جهت توقیف اموال خواننده صادر شود، اموال یا تجارت خواننده حتی در زمان توقیف نیز مشمول مالیات‌هایی می‌شوند که در حالت عادی به آنها تعلق می‌گرفت (www.westlaw.uk). در نهایت لازم به ذکر است که دادگاه می‌تواند ضمن قرار انسدادی که صادر می‌نماید، دستور دهد که اموال مشمول قرار، از تصرف خواننده خارج شده و به شخص ثالثی به عنوان امین تحویل داده شوند. البته این اختیار دادگاه ناظر بر موارد ضروری است که دادگاه احراز می‌نماید که خواننده به احتمال زیاد مفاد قرار را نقض خواهد کرد و نسبت به واگذاری اموالی که در تصرف دارد اقدام خواهد نمود (CBS United Kingdom Ltd v. Lambert) (CA) 1 Ch 37 (1983) & Another). در هر حال، اگر خواهان در دعوا پیروز شود، خواننده موظف است هزینه‌هایی را که خواهان در خصوص قرار انسداد متحمل شده است جبران نماید (D. Barnard, 1977, p.110).

مبحث سوم) اثر قرار انسداد بر اشخاص ثالث

به طور کلی لازم است که خواهان در هنگام ارائه دادخواست، نام و مشخصات اشخاص ثالثی که از دید وی خوانده اموالی نزد آنها دارد را به دادگاه اعلام کند تا دادگاه اقدام لازم را مبذول دارد (Z Ltd. v. A-Z and AA-LL Ltd. [1982] QB 558, on page 572).

پس از صدور قرار انسداد، رونوشتی از آن باید برای اشخاص ثالثی که به نوعی اموال خوانده را در تصرف خود دارند، (مثل بانکی که خوانده در آن حساب دارد) ابلاغ شود (www.johnlambert.law.pro/freerorder.htm). شخص ثالث به محض ابلاغ قرار انسداد به او موظف به اجرای مفاد آنست حتی اگر قرار هنوز به خوانده ابلاغ نشده باشد (S.M. Gerlis, P. (Loghlin, 2001, p. 229).

در انگلستان اگرچه در امور حقوقی، قرارها فقط در مورد اموال و نه اشخاص صادر می‌شوند (Flesch v. Circle City Excavating & Rental Corp. (2001) 137 APP.695, at p.764)، ولی قرار انسداد یک جبران خسارت موقت است و موضوع آن در واقع شخص خوانده است و به تبع وی اموالش را در بر می‌گیرد (Civil Procedure Rules Act (1998), s.25) و این طور نیست که از ابتدا در خصوص اموال خاصی صادر شود. با وجود این، صدور قرار انسداد ممکن است بر اشخاص ثالث تأثیراتی بر جای بگذارد. برای مثال لازمه توقیف پول موجود در حساب‌های بانکی خوانده، ابلاغ قرار انسداد به بانک و درخواست توقیف حساب‌ها از آن می‌باشد. هرگونه قصور از جانب بانک در رابطه با اجرای قرار، بانک را در قبال دادگاه مسئول می‌سازد. قضیه «زد لیمیتد علیه ای - زد اند ای ای - ال ال لیمیتد» (۱۹۸۲) (Z Ltd. v. A-Z and AA-LL Ltd.) [1982] QB 558 (Eng.CA) نخستین و مهم‌ترین قضیه‌ای است که در رابطه با وظایف اشخاص ثالث در خصوص اجرای قرار انسداد صادر شده تعیین تکلیف کرده است. در این قضیه خواهان به میزان ۲ میلیون پوند مرتکب تدلیس شده بود و سپس بخشی از این مبلغ را در بانک‌های مختلف سپرده گذاری کرده بود و بخش دیگری از آن را نیز صرف خرید اموالی نموده بود. خواهان پس از آگاهی از وقوع تدلیس از دادگاه تقاضای صدور یک قرار انسداد علیه خوانده نمود. دادگاه دستور صدور یک قرار انسداد را صادر کرد. لرد دنینگ در مقام ریاست دادگاه استیناف اظهار داشت که از دیدگاه او کلیه اشخاص ثالثی که به نوعی مشمول موضوع قرار انسداد شده‌اند یا اینکه قرار انسداد به آنها ابلاغ شده است، ملزم به اجرای دستور دادگاه که در ضمن قرار درج شده است هستند. برای مثال، اگر شخص ثالث بانک باشد باید حساب‌های خوانده را مسدود کند. اگر شخص ثالث از اجرای دستور دادگاه امتناع کند، این اقدام او به منزله ایجاد مانع بر سر راه عدالت است و به همین دلیل در قبال دادگاه مسئول خواهد بود. با وجود این، مسدود کردن اعتبار کارت‌های اعتباری استثنایی در این زمینه است

زیرا یک رابطه قراردادی بین بانک و دارنده کارت اعتباری وجود دارد که بانک را در حدود اعتبار موظف به پرداخت ثمن معاملاتی می‌نماید که دارنده کارت از طریق آن نسبت به انعقاد آنها مبادرت کرده است (Z Ltd. v. A-Z and AA-LL Ltd. [1982] QB 558 (Eng.CA) 768, on p.775). در هر حال در ضمن قرارهای انسداد با اثر بین‌المللی نمی‌توان اشخاص ثالث را در راستای اجرای قرار ملزم به انجام عملی نمود که در تعارض با تکالیف قانونی ایشان در رابطه با اجرای نظم عمومی کشور خارجی است. «در مقام اجرای قرار انسداد، پیش از هر چیز باید به این نکته توجه داشت که صرف صدور قرار انسداد نمی‌تواند بر اشخاص ثالث واقع در خارج از قلمرو انگلیس تاثیر بگذارد، حتی اگر شخص ثالث بانکی باشد که به جهت داشتن شعبه‌ای در انگلیس، با قوانین انگلستان ارتباط پیدا می‌کند. در این زمینه باید به دادگاه‌های صالح کشور خارجی رجوع نمود» (Lord Hoffman in: Eram Shipping Company Ltd & Ors v. (Hong Kong and Shanghai Banking Corporation Ltd (2003) UKHL 30, at para.58). به علاوه، هیچ شخص ثالثی که در خارج از حوزه قضایی انگلستان و ویلز قرار دارد را نمی‌توان از عمل به تعهدات قانونی و قراردادی اش که بر اساس قانون کشور خارجی ملزم به اجرای آنهاست منع نمود؛ حتی اگر تعهدات قراردادی او ناشی از قراردادی میان وی و خواننده باشند (Practice Direction of Section 25 of the Civil Procedure Rules Act (1998), s.20.1). اشخاص ثالثی که ضمن صدور قرار انسداد از آنها نام برده شده است، موظفند که به طور کامل و دقیق، الزاماتی را که دادگاه به طور خاص از آنها درخواست کرده است، اجرا نمایند. در غیر این صورت، در مقابل دادگاه نسبت به جبران خسارات ناشی از تقصیر خود مسئول هستند (Z Ltd. v. A-Z and AA-LL Ltd. [1982] QB 558, on page 414). در مواردی که شخص ثالث به طور عمد قرار را نقض کند یا سبب تسهیل نقض قرار توسط خواننده گردد یا خواننده را در انجام این امر یاری دهد، علاوه بر جبران خسارت، حسب مورد به زندان یا جزای نقدی یا توقیف اموال محکوم خواهد شد (Practice Direction of Section 25 of the Civil Procedure Rules Act (1998), s.16). البته لازم به ذکر است که مسئولیت بانک به عنوان شخص ثالث در رابطه با اجرای قرار موسع نیست. بدین معنی که بانک فقط در صورتی مسئول شناخته می‌شود که به طور عمدی قصد ممانعت از اجرای قرار انسداد را داشته باشد و از اجرای آن نیز ممانعت یا تخلف نماید (Commissioners of Customs & Excise v. Barclays Bank (2006) UKHL 28, on para.215; Also See: Capro v. Dickman (1990) 2 AC 605; Henderson v. Merrett (1995) 2 AC 145; White v. Jones (1995) 2 AC 207; Philips v. Hillingdon Borough Council (2001) 2 AC 619). در خصوص اثر قرار انسداد بر اشخاص ثالث موارد زیر نیز قابل ذکر است:

۱- اگر شخص ثالث (از جمله بانک) در راستای اجرای قرار انسداد متحمل هزینه یا پرداخت پول یا انجام عملیاتی شود، پس از اجرای دستور مندرج در قرار می‌تواند، هزینه‌های

ناشی از اجرای قرار را از خواهان مطالبه کند. دلیل این امر نیز آن است که هنگامی که خواهان قرار انسداد را به شخص ثالث ابلاغ می‌کند، در واقع به طور ضمنی از شخص ثالث درخواست می‌کند که هرآنچه برای اجرای قرار ضروری است را انجام دهد و این درخواست ضمنی به منزله یک تعهد ضمنی از جانب خواهان برای جبران هزینه‌های متحمل شده توسط شخص ثالث در زمینه اجرای قرار است. در زمینه صدور قرار دادگاه موظف است به طور کاملاً صریح آندسته از اموال خوانده که موضوع حکم قرار انسداد هستند را مشخص و تعیین کند تا شخص ثالث به درستی وظیفه خود را در رابطه با اجرای قرار انجام دهد (Z Ltd. v. A-Z and AA-LL Ltd. [1982] QB 558, on page 572).

۲- اگر خواهان از شماره حساب بانکی خوانده یا مشخصات برخی از اموال وی به طور دقیق مطلع نباشد می‌تواند از بانکی که گمان می‌کند خوانده در آن حساب دارد و یا شخص ثالثی که گمان می‌کند متصرف اموال خوانده است، استعلام کند که آیا خوانده اموال یا پولی نزد وی دارد یا خیر. البته در این صورت، خواهان متعهد به پرداخت هزینه‌های استعلام است. اگر خوانده در بانک حساب داشته باشد، بانک نمی‌تواند نتیجه استعلام را به خواهان اعلام نماید زیرا در این صورت برخلاف تعهد خود به مشتری مبنی بر حفظ اسرار او عمل کرده است. ولی موظف است که نسبت به مسدود کردن حساب خوانده به نحو مقرر شده در قرار دادگاه اقدام نماید (Ibid., page 574). در هر حال در مواردی که قرار انسداد به یکی از شعب بانک واصل می‌شود، شعبه مزبور باید اقدامات لازم جهت اطلاع دادن مراتب امر به سایر شعب بانک را انجام دهد (Tinkler, 2005, p.7).

۳- دادگاه نمی‌تواند ضمن قراری که صادر می‌نماید، شخص ثالث را به میزانی بیش از خواسته خواهان از خوانده ملزم نماید. به عبارت دیگر شخص ثالث حداکثر ملزم به توقیف یا انسداد آن میزان از اموال خوانده خواهد بود که معادل خواسته خواهان از خوانده باشد. اگر میزان دقیق خواسته خواهان مشخص نباشد، این امکان برای دادگاه وجود دارد که شخص ثالث را نسبت به توقیف کل داری خوانده ملزم سازد (Z Ltd. v. A-Z and AA-LL Ltd. [1982] QB 558, on p.577, Also see: Rahman (Prince Abdul) bin Turki al Sudairy v. Abu-Taha (1980) 1 WLR 1268, 1269 (CA)).

۴- اگر منافع خواهان اقتضا کند، دادگاه می‌تواند در ضمن قرار انسدادی که صادر می‌نماید، بانکی که خوانده در آن حساب دارد را ملزم نماید که نسبت به انسداد حساب‌های مشترک (joint account) خوانده با شخص یا اشخاص دیگر نیز مبادرت کند (Z Ltd. v. A-Z and AA-LL Ltd. [1982] QB 558, on p. 801). بنابراین در صورت اخیر قرار انسداد به دو صورت بر اشخاص ثالث تأثیر می‌گذارد. اول تأثیری است که به بانکی که خوانده در آن حساب دارد

از حیث اجرای قرار برجای می‌گذارد و دوم تأثیری است که بر شخص ثالثی که با خواننده حساب مشترک داشته است بار می‌گردد.

۵- قرار انسداد حقوق طلبکاران خواننده را از بین نمی‌برد (*Ibid.*, page 580); بدین معنی که اگر برای مثال اموال خواننده به درخواست متقاضی صدور قرار انسداد (خواهان) توقیف شدند، خواهان نمی‌تواند به جهت اینکه مال را پیش از سایر طلبکاران خواننده توقیف کرده است، مدعی حق تقدم در وصول طلب خود از محل اموال توقیف شده گردد و از جهت وصول طلب خود از اموال مزبور با سایر طلبکاران خواننده در وضعیت یکسانی قرار خواهد داشت.

۶- اشخاص ثالث باید فقط تا میزانی که دادگاه در ضمن قرار تعیین کرده است نسبت به توقیف اموال یا انسداد حساب خواننده اقدام نمایند. در غیر این صورت از باب مسئولیت مدنی مسئول جبران خسارات وارد شده بر خواننده و اشخاص ثالث خواهند بود. بنابراین اگر شخص ثالث بدون اجازه دادگاه و به صرف درخواست خواهان و یا رأساً بیش از میزان مقرر شده در قرار انسداد، اموال خواننده را توقیف یا مسدود کند، شخصاً مسئول جبران خسارات وارد شده است و حتی حق رجوع به خواهان را نیز نخواهد داشت (Rahman (Prince Abdul) bin Tarhi al (Sudairy v. Abu – Taha (1980) 1 WLR. 1268, 1269 (CA); Also See: Ackners Remarks Bekhor (Ltd. v. Hiltan (1981) QB. 923, at p. 936).

۷- ضمن یک قرار انسداد نمی‌توان بانک را به لغو تسهیلاتی که پیش از ابلاغ قرار انسداد به او، به خواننده اعطا کرده است مجبور نمود (Practice Direction of Section 25 of the Civil (Procedure Rules Act (1998), s.17).

۸- قرار انسداد هیچ‌گونه حق عینی برای خواهان بوجود نمی‌آورد و بر همین اساس مالکیت اشخاص ثالث با حسن نیتی که اموال خواننده ضمن یک عقد صحیح و مشروع به تملک آنها درآمده است و در هنگام عقد نیز از صدور قرار انسداد بی اطلاع بوده‌اند، بر اموال موضوع قرارداد به رسمیت شناخته می‌شود (Richard, Aird, 2002, Vol.51, No.1, p.19; Also see (Cretanor Maritime Co. Ltd v. Irish Marine Management Ltd. (1978) 1 WLR 966).

۹- در نهایت لازم به ذکر است که در حقوق انگلیس در برخی موارد خاص و به طور استثنایی امکان صدور قرار علیه اشخاص ثالث وجود دارد. صدور قرار انسداد علیه اشخاص ثالث تنها در صورتی مقدور است که خواهان اولاً دلایل کافی مبنی بر اینکه شخص ثالث به طور غیر قانونی متصرف اموالی است که در تملک خواننده هستند ارائه دهد و دوم اینکه صدور قرار انسداد علیه شخص ثالث برای امکان اجرای حکم نهایی دادگاه ضروری به نظر برسد (TSB Private Bank International S.A v. Chabra (1992) 2 All ER 245) یا اینکه در دعوای دیگری که خواهان علیه شخص ثالث به عنوان خواننده اقامه کرده است، دادگاه نسبت به

C. Incorporation plc v. L (2001) 2 All ER (Comm)) توفیق اموال ثالث قرار صادر کرده باشد (446).

مبحث چهارم) حدود مسئولیت قاضی

طبق قانون دادگاه عالی (۱۹۸۱) (Supreme Court Act (1981)) رای قاضی (قرار یا حکم) باید «عادلانه» (just) و «مناسب» (convenient) باشد (section 37.1). اطلاق مقرر مزبور حاکی از آن است که رای قاضی باید هم نسبت به خواننده و هم نسبت به خواهان عادلانه و مناسب باشد و این وظیفه قاضی است که نسبت به این امر اطمینان حاصل کند. عدم رعایت هریک از موارد فوق، قاضی را در خصوص جبران خسارات حاصل شده مسئول قرار خواهد داد. با توجه به اینکه درخواست صدور قرار انسداد به خواننده ابلاغ نمی‌شود و در اغلب موارد نیز قرار انسداد بدون حضور خواننده و بدون اطلاع وی صادر می‌گردد، اهمیت دقت قاضی در رعایت مقرر مزبور دوچندان احساس می‌گردد. در این زمینه رویه‌ای تحت عنوان «توازن متناسب» (Balance of Convenience) وجود دارد؛ بدین صورت که پس از آنکه صحت ادعای خواهان تا حدودی برای قاضی مسجل گردید، وی باید این مسئله را بررسی نماید که آیا میزان خساراتی که ممکن است در صورت عدم صدور قرار انسداد به خواهان وارد آید بیشتر است یا اینکه میزان خساراتی که ممکن است در صورت ورود قرار انسداد متوجه خواننده گردد بیشتر است و بر این اساس نسبت به صدور یا عدم صدور قرار انسداد تصمیم‌گیری نماید. به عبارت دیگر، باید میان آن دسته از حقوق خواننده که از جهت قرار انسداد مورد تهدید قرار می‌گیرند و آن دسته از منافع خواهان که بر اثر قرار انسداد مورد حمایت قرار می‌گیرند «تناسب» (proportionality) وجود داشته باشد (Hoffmann J. in: Lock International plc v. Beswick (1989) 1 WLR 1268, at p.1281). ملاحظه می‌شود که اعمال چنین رویه‌ای می‌تواند تا حدودی اعمال انصاف در خصوص طرفین را تسهیل نماید. لازم به ذکر است که عاملی مهم که دادگاه باید در اعمال رویه فوق در نظر بگیرد اینست که آیا «بی‌عدالتی بالقوه‌ای» (Potential Injustice) که ممکن است در صورت صدور یا عدم صدور قرار انسداد متوجه یکی از طرفین گردد با پول قابل جبران می‌باشد یا خیر. برای مثال، اگر میزان خسارتی که به خواننده وارد می‌شود با پول قابل جبران باشد، قاضی تمایل بیشتری برای صدور قرار انسداد خواهد داشت. همچنین در مواردی که ضرر بالقوه خواهان و خواننده با هم برابری کنند نیز دادگاه نسبت به صدور قرار انسداد متمایل خواهد بود (www.pinsentmasones.com/advicenote/freezeorder.html). به عبارت دیگر، در مواردی که میان ضرر خواهان و خواننده برابری و تعادل وجود دارد نیز امکان صدور قرار انسداد وجود دارد. در هر حال این وظیفه دادگاه است که در مقام صدور

قرار انسداد، در عین رعایت حقوق خواهان، مانع از ورود هرگونه خسارت یا ضرر احتمالی به خواننده گردد. به عبارت دیگر دادگاه باید انصاف را در مورد هر دو طرف رعایت نماید (Brooks, Tickner, op.cit. p.34).

نتیجه‌گیری

اگرچه حقوق انگلیس از طریق توسل به راهکارهایی از جمله اخذ تعهد از خواهان، وضع شرایط سختگیرانه برای صدور قرار و غیره سعی در حفظ توأمان حقوق خواهان و خواننده دارد، ولی در مقام صدور و اجرای قرار نمی‌توان همزمان حقوق خواهان و خواننده را به طور کامل رعایت کرد و بالاخره حق یکی از طرفین یا هر دو آنها تا حدودی تأمین و تا حدودی ضایع می‌گردد. همان‌طور که لرد گیسون (Gibson) در قضیه «کاستومز اند اکسایز کامرس علیه بارکلیز بانک پی ال سی» (۲۰۰۴) ((Customs and Exise Comrs v. Barclays Bank plc (2004)) اظهار داشته است: «اعمال دقیق همه قواعد حقوقی به شکل درست آن در هر قضیه جدید... غیرممکن است» ((2004) All ER (D) 343 (Nov)). همان‌طور که این امکان وجود دارد که خواننده پس از اعلام دارایی اش، بلافاصله محل و نوع آنها را تغییر دهد و مانع از اجرای حکم گردد، این امکان نیز وجود دارد که قرار الزام خواننده به اعلام دارایی اش سبب افشای اسرار تجاری خواننده گردد و این امر در مواردی که عدم صحت ادعای خواهان اثبات می‌گردد بیشتر منشاء ضرر برای خواننده خواهد بود. به علاوه ممکن است خواننده به جهت توقیف یا انسداد نابه جای اموالش معاملاتی کلان و مهم را از دست بدهد و از این جهت متحمل ضرر غیرقابل جبرانی شود (Richard, Aird, op.cit, p.11). در حقوق انگلیس به نظر می‌رسد که در ارتباط با خواننده، تنها ضمانت اجرای عملی و موثر در خصوص عدم اجرای قرار انسداد، تعقیب کیفری وی به جهت نقض قرار انسداد و عدم توجه به اخطار کیفری مندرج در متن قرار انسداد باشد. زیرا پیگیری حقوقی تخلف از طریق استناد به مسئولیت مدنی، در زمانی که هیچ‌گونه دسترسی به خواننده یا اموال وی وجود ندارد مفید فایده نیست. همچنین لازم به ذکر است که خواهان نیز ملزم به پایبندی به تعهداتش در خصوص جبران خسارات وارد شده به خواننده و هزینه‌های وارد شده به اشخاص ثالث که از قرار انسداد ناشی شده‌اند می‌باشد و عدم پایبندی وی به تعهداتش وی را در برابر دادگاه نیز مسئول قرار می‌دهد. میزان تاثیر قرار انسداد تا حدود زیاد به عملکرد اشخاص ثالثی که متصرف اموال خواننده هستند، مربوط می‌شود. زیرا در اغلب موارد خواننده به مفاد قرار انسداد عمل نمی‌نماید و با روش‌های مختلف اموال و دارایی خود را از دید خواهان و دادگاه پنهان می‌دارد.

نمونه بارز این امر، در مواردی است که خوانده اموال خود را به بستگان نزدیکش منتقل می‌نماید (www.jstor.org/jstor/gifcvtdir/ap002543/0026796/ap030337/03a000-1.1.gif?config). همچنین استدلال‌های لرد هافمن (Hoffmann)، لرد بینگهام (Bingham) و لرد مانس (Mance) در قضیه «کاستومز اند اکسایز کامرس علیه بارکلیز بانک» (۲۰۰۴) (مبنی بر اینکه نقض قرار انسداد از سوی بانک در صورتی موجب تحقق مسئولیت برای وی خواهد شد که نقض صورت گرفته از جانب بانک به طور عامدانه و با هدف ایجاد خلل در روند اجرای عدالت باشد و از این حیث وضعیت بانک با سایر اشخاص ثالث متفاوت است (Alistair, Craig, 2006, p.2)، در مقام عمل سبب می‌شود که بانک‌ها به راحتی از مسئولیت عدم اجرای قرار انسداد شانه خالی کنند. زیرا اثبات مسئولیت بانک توسط خواهان بسیار دشوار می‌نماید. مضافاً اینکه قائل نشدن مسئولیت مدنی برای بانک در مواردی که مرتکب تقصیر شده است و استثناء کردن آن به طور منطقی قابل توجیه نیست. به نظر می‌رسد که فقدان یک ضمانت اجرای قوی و صریح در رابطه با عدم اجرای قرار انسداد توسط بانک‌ها می‌تواند تاثیر این قرار را تا حد بسیار زیادی کاهش دهد. بر این اساس تنها راه‌حلی که می‌توان از طریق آن، اجرای قرار انسداد توسط بانک‌ها را تضمین کرد، صدور مستقیم قرار انسداد علیه آنها به عنوان اشخاص ثالث است. در عین حال، لازم به نظر می‌رسد که قوه مقننه انگلستان نیز تصویب قوانین لازم جهت جلوگیری از عدم اجرای دستورات دادگاه را سرعت بخشد. اگرچه در قوانین و قواعد آیین دادرسی انگلیس به اعمال انصاف توجه جدی شده است (Summers, 1974, p.14) ولی در هر حال در میان حقوقدانان انگلیسی همواره اختلاف نظری بدین مضمون وجود داشته است که هدف از قواعد آیین دادرسی مدنی باید حل و فصل اختلافات باشد یا اینکه اعمال عدالت حقیقی باید مدنظر قرار گیرد (Bayles, 1986, p.33). این بحث در میان حقوقدانان ایرانی نیز مطرح شده است و همواره محل اختلاف بوده است (واحدی، ۱۳۸۴، ص ۱۸). در هر صورت به نظر می‌رسد که در مقام اعمال قرار انسداد و دستور موقت نیز همانند سایر قوانین آیین دادرسی مدنی، تعادل میان حل و فصل اختلافات و احقاق عدالت باید لحاظ گردد و به این دو مهم به یک اندازه بها داده شود. در حقوق ایران هیچ‌گونه ضمانت اجرای کیفری برای سرپیچی از اجرای مفاد قرار انسداد توسط خوانده یا اشخاص ثالث وجود ندارد. ضروری است که مقنن نسبت به جبران این خلا قانونی اقدام نماید زیرا صرف مسئولیت مدنی نمی‌تواند بازدارندگی لازم را در زمینه عدم تخلف از اجرای مفاد قرار دستور موقت در پی داشته باشد. در حقوق انگلیس سرپیچی از اجرای مفاد قرار انسداد می‌تواند حسب مورد برای خوانده یا اشخاص ثالث مسئولیت کیفری و مجازات در پی داشته باشد. در حقوق ایران قانون یا رویه‌ای برای الزام خوانده به اعلام اموال و دارایی‌اش وجود ندارد و این وظیفه خواهان است که محل و نوع اموال خوانده را به دادگاه

اعلام نماید تا دستور موقت در مورد آنها صادر شود. به نظر می‌رسد که این امر ایرادی بر حقوق ایران محسوب شود زیرا پرواضح است که خواننده اموال خود را از دید خواهان پنهان خواهد کرد و بنابراین، امکان کشف وضعیت اموال وی برای خواهان جهت اعلام به دادگاه و تحصیل قرار بسیار دشوار خواهد بود و بدیهی است که این امر از جمله موانع تحقق عدالت خواهد بود. ولی در حقوق انگلیس، دادگاه می‌تواند به درخواست متقاضی صدور قرار، در ضمن یا در کنار قرار انسدادی که صادر می‌نماید، خواننده را به اعلام محل و میزان اموالش یا معرفی بانکی که در آن حساب دارد ملزم نماید، که به این الزام دادگاه، «قرار الزام به اعلام دارایی» گفته می‌شود و می‌تواند ناظر بر الزام خواننده به اعلام تمامی اموالش در هر نقطه از جهان باشد. در حقوق ایران در ارتباط با مسئولیت خواننده و اشخاص ثالث در زمینه اجرای مفاد دستور موقت، به جز بحث مسئولیت مدنی، ضمانت اجرای قانونی یا رویه‌ای خاص در زمینه تخلف از اجرای مفاد قرار دستور موقت وجود ندارد. لذا ضروری است قانون‌گذار برای جلوگیری از هرگونه سوء استفاده و یا تبانی خواننده و اشخاص ثالث برای فرار از عدالت و تضییع حقوق خواهان، هرچه سریعتر نسبت به رفع این خلا و ایراد قانونی اقدام لازم را مبذول نماید. در حقوق انگلیس، ضمن قرار انسداد یک اخطاریه کیفری خطاب به خواننده و اشخاص ثالث درج می‌شود مبنی بر اینکه هرگونه تخلف از مفاد قرار علاوه بر مسئولیت مدنی متخلف می‌تواند حسب مورد به حبس یا جزای نقدی یا ضبط اموال منتهی گردد. در حقوق ایران هرگاه در اثر تقصیر یا اشتباه قاضی ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد، قاضی طبق موازین اسلامی ضامن است و در غیر این صورت ضرر توسط دولت جبران می‌شود. در حقوق انگلیس رای قاضی (قرار یا حکم) باید «عادلانه» و «مناسب» باشد. همچنین دادگاه در مقام صدور قرار باید میان آن دسته از حقوق خواننده که از جهت قرار انسداد مورد تهدید قرار می‌گیرند و آن دسته از منافع خواهان که بر اثر قرار انسداد مورد حمایت قرار می‌گیرند «تناسب» و «انصاف» را در نظر بگیرد و در غیر این صورت مسئول جبران خسارات وارد شده است. به نظر می‌رسد که هم در حقوق انگلیس و هم در حقوق ایران در مورد نحوه جبران خسارت توسط قاضی نقص وجود دارد. زیرا در مورد فرضی که در آن قاضی به جهت گستردگی میزان خسارات وارد شده قادر به جبران آن نیست تعیین تکلیف نشده است در حالی که وقوع چنین فرضی کاملاً محتمل است. در حقوق انگلیس اگر قرار انسداد مبتنی بر توقیف اموال خواننده باشد، اموال یا تجارت خواننده حتی در زمان توقیف نیز مشمول مالیات‌هایی می‌شوند که در حالت عادی به آنها تعلق می‌گرفت که این امر خلاف انصاف است. به نظر می‌رسد قوانین مالیاتی آن کشور باید به نحو مطلوب اصلاح شوند و مالیات حذف یا تعدیل شود. به موجب قرار انسداد می‌توان حساب‌های مشترک خواننده با اشخاص

ثالث را به طور کامل مسدود کرد. این امر محل اشکال است زیرا هیچ دلیلی وجود ندارد که سهم شخص ثالث به موجب قرار انسداد توقیف و مسدود گردد. برای نمونه زن و شوهری را در نظر بگیرید که در یک مغازه با هم شریک هستند و سود حاصل از فعالیت در مغازه را به یک حساب مشترک واریز می‌نمایند. طلبکار شوهر علیه وی یک قرار انسداد تحصیل می‌کند و به موجب آن حساب بانکی وی را که با همسرش مشترک بود، توقیف می‌نماید. در این جا، این ایراد و سؤال مطرح می‌شود که چرا پول همسر خوانده که در حساب مشترک قرار داشت باید توقیف شود؟ اصلاح این رویه ضروری به نظر می‌رسد. بدین صورت که پول موجود در حساب مشترک به نسبت میزان سهم خوانده توقیف شود و اگر سهام وی محل تردید است، نصف پول موجود در حساب توقیف شود. قوانین ایران در خصوص ملاک و معیار محاسبه میزان خسارت خوانده در مواردی که واهی بودن ادعای خواهان مشخص می‌شود، ساکت است و ضابطه‌ای را در این زمینه مشخص نکرده است و تنها موردی که به طور کلی و مبهم به این مسئله اشاره کرده است ماده ۳ قانون مسئولیت مدنی می‌باشد. لازم به ذکر است که این خلا به طور کلی در همه مواردی که میزان خسارت باید محاسبه گردد، وجود دارد و احساس می‌شود. برای جبران این خلا قانونی پیشنهاد می‌شود که از شیوه و معیار محاسبه خسارت بر اساس روش جبران منافع متوقع (expectation damages) بهره گرفته شود که در حقوق انگلیس نیز در اغلب موارد از جمله در تعیین خسارات ناشی از صدور قرار انسداد مورد استفاده قرار می‌گیرد.

منابع و مأخذ

الف - فارسی

۱. ادرسیان، محمد رضا، (۱۳۸۰)، دستور موقت، انتشارات ققنوس، چاپ سوم، تهران.
۲. رسولی، عبد الرحمن، (۱۳۷۹)، نمونه آرای محاکم دادگستری ایران، انتشارات فردوسی، مجموعه دوم، چاپ اول.
۳. سلجوقی، محمود و امینی، یدالله، مجموعه نظریه‌های مشورتی اداره حقوقی دادگستری در زمینه مسائل مدنی، ضمیمه مجله حقوقی وزارت دادگستری، انتشارات دفتر تحقیقات و مطالعات وزارت دادگستری، ش ۲۷۸.
۴. شمس، عبدالله، (۱۳۸۰)، آیین دادرسی مدنی، جلد سوم، انتشارات دراک، چاپ هشتم، تهران.
۵. عابدیان، میر حسین، (۱۳۸۵)، جزوه مدنی ۲، کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
۶. کاتوزیان، امیر ناصر، (۱۳۶۲)، مسئولیت مدنی، نشر یلدا.
۷. متین، احمد، (۱۳۴۰) مجموعه رویه قضائی، نشر آفتاب.
۸. مردانی، نادر، (۱۳۷۲)، آیین دادرسی مدنی، نشر یلدا.
۹. مهاجری، علی، (۱۳۸۰)، شرح آیین دادرسی مدنی، جلد دوم، انتشارات گنج دانش، چاپ اول.
۱۰. واحدی، جواد، (۱۳۸۴)، نقد و بررسی ماده ۲۲۵ ق.آ.د.م.، مجله حقوقی قضایی دادگستری.
۱۱. واحدی، قدرت ا...، (۱۳۸۴)، بایسته‌های آیین دادرسی مدنی، میزان.
۱۲. یآوری، فتح الله، (۱۳۶۶)، جزوه آیین دادرسی مدنی، انتشارات دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری.

ب- خارجی

- 1- Adams J. and R. Brownsword, *Understanding Contract Law*, Sweet & Maxwell, 4 ed, London, 2004.
- 2- Aird, Richard, «The Scottish Arrestment and the English Freezing Order», **International and Comparative Law Quarterly**, 2002, Vol.51, No.1.
- 3- Barnard, D. *The Civil Court in Action*, Butterworths, 1977.
- 4- Bayles, M. *Principles for Legal Procedure*, Law and Philosophy, 1986.
- 5- Bishop, Doak *Strategic Opinion Available when Catastrophe Strikes The Major International Energy Project*, King and Spading, London, 2002.
- 6- Brooks, O. J. Tickner, «Freezing Order: Cold Comfort for Defendant», **IHL**, 2004.
- 7- Civil Procedure Rules Act (1998).
- 8-Connal, S. T. Willoughby, «The Mareva Injunction: A Cruel Tyranny», **European. Intellectual Property Review**, 1997, Vol.19, No.8.
- 9- Craig, Alistair, *Meltdown for Freezing orders?*, Brunel University Services, 2006.
- 10-Kessedjion, Catherine, *Note on Provisional and Protective Measures in Private International Law*, Hague Conference on private international law, Document No.10, 1998.
- 11- M. Gerlis K. J., S. P. Loghlin, *Civil Procedure*, Cavendish Publishing, 2001.
- 12- Myint, R. «Freezing Orders and the Proceeds of Crime», **Journal of International Trust and Corporate Planning**, 2000.
- 13- Practice Direction of Section 25 of the Civil Procedure Rules Act (1998).
- 14- Ruff Anne, *Nutcases*, Sweet & Maxwell, 4 ed, London, 2005.
- 15- Summers, R. S. «Evaluating and Improving Legal Processes- A Plea for Process Values», **Cornell Law Review**, Vol.60, No.1, 1974.
- 16- Tinkler, *The Bank, The Thief, The freezing order, But Whose Duty?*, Brunel University Services, 2005.
- 17- www.Commercialinjunctions.com/November2006-full.shtml.
- 18- www.dca.gov.uk/civil/procrules.shtml.
- 19- www.hrothgar.co.uk/yaws/c-toc-din/cts.htm.
- 20- www.javannewspaper.com/1384/840723/law.htm#s98781.
- 21- www.johnlambert.law.pro/freezorder.htm.
- 22- www.jstor.org/jstor/gifcvtdir/ap002543/0026796/ap030337/03a000-1.1.gif?config.
- 23- www.justice.gov.uk/civil/procrules-fin/contents/practice-directions/pd-part25.htm.
- 24- www.kslaw.com/library/publication/LatinLawyer-InterimMeasures.pdf.
- 25- www.LexpertDirectory/legalbusiness/articles.html.
- 26- www.middletonpotttd.co.uk/library/default.asp?p=282&=301.
- 27- www.pinsentmasones.com/advicenote/freezeorder.html.
- 28- www.siteresources.worldbank.org/GILDUNITEDKINGDOM/reources/moonbeeveroct04.pdf.
- 29- www.westlaaw.uk.

از این نویسنده تاکنون مقالات زیر در همین مجله منتشر شده است:

«چهل و سومین اجلاس کمیسیون حقوق بین‌الملل»، سال ۷۳، شماره ۳۱، «نگاهی به جنبه‌های عمومی حقوق کار با تکیه بر قانون کار جمهوری اسلامی ایران»، سال ۷۹، شماره ۵۰، «جلسه کاری کمیته حقوق اسلامی و حقوق بین‌الملل» شصت و نهمین کنفرانس (لندن - سال ۲۰۰۰)، سال ۸۰، شماره ۵۲، «بررسی تحلیلی انواع روش‌های تعیین حدود در رودخانه‌های مرزی»؛ سال ۸۱، شماره ۵۵، «هفتادمین نشست انجمن حقوق بین‌الملل (آوریل ۲۰۰۲، دهلی نو)»، سال ۸۱، شماره ۵۸، «بررسی تطبیقی شرایط کار زنان و نوجوانان در کشورهای ژاپن، کره جنوبی، هند، مصر، انگلستان و ایران»، سال ۸۳، شماره ۶۴، «دفاع مشروع پیش‌دستانه در حقوق بین‌الملل»، سال ۸۵، شماره ۷۲، «مداخله بشر دوستانه؛ نقض قاعده یا استثناء سوم» سال ۸۶، شماره ۱. «نقد و بررسی حکم «دیه نفس» زن در قانون مجازات اسلامی»، سال ۸۶، شماره ۴. «نقد و بررسی مقاله «تحول تدریجی حقوق محیط زیست بین‌المللی و مسئولیت دولت‌ها»، سال ۱۳۸۷، شماره ۲. «نقد و بررسی دادرسی فوری در حقوق انگلیس» سال ۱۳۸۸، شماره ۱.